

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره سیزدهم، شماره های اول و دوم، پائیز ۱۳۷۶
و بهار ۱۳۷۷ (پیاپی ۲۵ و ۲۶)

نقش های پیشوند فعلی می در زبان فارسی امروز

دکتر جلال رحیمیان
دانشگاه شیراز

خلاصه

پژوهش های گذشته در زمینه پیشوند فعلی می تصویر کامل و روشنی از نقش های گوناگون این واژگ در فارسی امروز به دست نمی دهند. نگارنده با استفاده از اصول زیانسناسی جدید، تجزیه و تحلیلی نو از یکی از مهمترین کاربردهای می یعنی نقش نمودین آن ارائه می دهد. می در برخی موارد نشانگر نمود صوری و در بعضی دیگر بیانگر نمود معنایی است. تمایز بین این دو نقش امری ضروری است. این بررسی ضمن تجزیه و تحلیل صوری و معنایی گونه های مختلف فعلهائی که با می همراه هستند و همچنین با تشریح تقابلهای نمودین آنها استدلال می کند که طبقه بندی کلی کامری بدون جرح و تعدیل قادر به انعکاس تقابلهای مزبور در فارسی نخواهد بود. لذا با ایجاد تغییراتی در طبقه بندی کامری، آن را قابل اعمال به فارسی می سازد.

واژه های کلیدی: ۱- نمود ۲- پیشوند فعلی ۳- تقابلهای نمودین

۱. مقدمه

ماهیت و نقش پیشوند فعلی می _ در فارسی امروز بررسی دقیق و شایسته ای را می طلبد. این نوشته از طریق بررسی مقولاتی چون زمان دستوری^۱، نمود معنائی^۲ و نمود صوری^۳ فعل به توصیف کاربردهای گوناگون این پیشوند می پردازد.

۲. مطالعات پیشین

پاره ای از دستورهای سنتی پیشوند می _ را همراه با واژه همی مورد بحث قرار می دهند. خانلری^۴ می نویسد: در فارسی میانه (پارسیک) لفظ "همی" کلمه مستقلی است که معنی "همیشه، پیوسته" دارد و با صیغه های ماضی و مضارع به منزله قیدی است که دوام و امتداد جریان فعل را بیان می کند.

برای نمونه می توان به یکی از مثالهای وی^۵ که برگرفته از طبری است اشاره نمود:

۱. آدم آنجا همی گشت و نگاه همی کرد

خانلری^۶ معتقد است که کلمه همی در ابتدای پیدایش فارسی دری هجای نخستین خود را

از دست داده و تبدیل به می _ شده است.

شریعت^۷ می نویسد که:

"می _ گاهی در اول فعل ماضی می آید و معنی استمراری به

آن می دهد مانند: می رفت، می گفت، و گاهی در اول فعل زمان حال

می آید و علامت اخباری بودن آن است مثل: می رود، و می گوید."

باطنی^۸ بی اشاره به نقش می _، آن را یکی از پیشوندهای اختیاری فعل به حساب می آورد.

۳. کاربردهای می _ در زبان فارسی امروز

نقشهای می _ را می توان به اختصار به دو دسته تقسیم نمود:

(الف) زمانی آن را برای نشان دادن نمود معنائی تداوم^۹ فعل، و

(ب) گاهی آن را به منظور بیان وابستگی^{۱۰} فعل، به کار می گیریم.

ما در طی این بحث نشان خواهیم داد که نقش نمودین^{۱۱} می _ نه تنها اساسی تر از نقش

وابستگی آن است بلکه از بسامد بیشتری نیز برخوردار است. این خود انگیزه ای خواهد بود تا ما

پیشوند مذکور را به طور کلی وسیله نمود صوری تداومی^{۱۲} فعل تلقی نماییم. البته باید

به خاطر داشت که نمود صوری تداومی برحسب ضرورت با ایفای نقش نمود معنائی تداومی فعل همراه نیست. به بیانی صریح تر گاهی می__ با فعل همراه می شود اما بیانگر تداوم عمل نیست. برای مثال در (۲) اگر چه فعل با پیشوند می__ همراه است اما عمل از تداوم برخوردار نیست:

۲. حسن امروز خانه را می فروشد

بنابراین در این مبحث تمایز بین نمود صوری و نمود معنائی از اهمیتی به سزا برخوردار است. در این بررسی نشان داده خواهد شد که صورت گذشته تداومی^{۱۳}، که از تلفیق می__ و ریشه گذشته فعل حاصل می شود، اساساً برای بیان مفاهیمی از قبیل عادت، موقعیت های استمراری^{۱۴} و اعمال تکراری به کار می رود. اما نباید از نقش عواملی چون بافت و قید زمان در بیان صریح و خالی از ابهام مفاهیم فوق غافل بود.

۱.۳. کاربردهای نمودی ساختهای گذشته

در زمان گذشته، می__ با چهار ساخت گذشته تداومی، گذشته استمراری^{۱۵}، گذشته نقلی تداومی^{۱۶} و گذشته نقلی استمراری^{۱۷} همراه می شود. در زیر هر یک به ترتیب مورد بررسی قرار می گیرد.

۱.۱.۳. گذشته تداومی. اجزاء ساختی گذشته تداومی به شرح زیر می باشد:

می + ریشه گذشته فعل

۲. می + رفت + Ø

برای نشان دادن اهمیت نقش می__ به عنوان پیشوند فعلی، می توان دو مثال زیر را با یکدیگر مقایسه نمود:

۴. حسن سیگار کشید

۵. حسن سیگار می کشید

در جمله (۴)، صیغه فعلی کشید بر عملی تام^{۱۸} که در گذشته واقع شده است دلالت دارد. بنا به نظر کامری^{۱۹}، جمله ای چون (۴) بیانگر مفهومی تام است زیرا آنچه که اتفاق افتاده است همواره به مثابه یک عمل منفرد غیر قابل تجزیه به ذهن متبادر می شود. از آنجا که زبان فارسی مجهز به صورت فعلی مشخصی برای بیان وقایعی با مشخصات فوق است، می توان گفت که این زبان از مقوله نمود صوری مطلق^{۲۰} برخوردار است. فعل مطلق را در مقایسه با فعل تداومی می توان بی نشان^{۲۱} نامید. کامری^{۲۲} می__ را نشانه سازه ای^{۲۳} تقابلهای نمودین می داند.

بر خلاف صیغه فعلی کشید، می کشید را می توان به گونه های مختلف تعبیر نمود. این صیغه بیانگر یکی از مفاهیم زیر می باشد:

(الف) تکرار: (۱) عادت (۲) غیرعادت

(ب) استمرار

هر چند یکی از ویژگیهای عادت تکرار می باشد، باید توجه داشت که هر تکرار بر حسب ضرورت بیانگر عادت نیست. کما این که می توان طی مدتی کوتاه عملی را دهها بار تکرار کرد بدون این که بیانگر عادت باشد. این نوع رخدادها را می توان با استفاده از می و فعل مورد نظر بیان نمود:

۶. دیشب علی زیاد سرفه می کرد

از آنجا که درباره عمل صورت گرفته در جمله (۵) قراین محدود است هرکدام از تعابیر (الف ۱)، (الف ۲) و (ب) را می توان از آن استنباط کرد. البته تعبیر (ب) را می شود با استفاده از فعل کمکی داشتن به گونه ای خالی از ابهام بیان نمود:

۷. حسن داشت سیگار می کشید

همان گونه که مشاهده می شود، حتی استفاده از فعل کمکی داشتن ما را از می بی نیاز نمی سازد، زیرا حذف آن باعث غیردستوری شدن جمله خواهد شد:

۸. * حسن داشت سیگار کشید

مثالهای (۹ الف - ج) به ترتیب بر تعابیر (الف ۱، الف ۲ و ب) منطبقند:

(۹ الف) حسن سابقاً سیگار می کشید

(ب) حسن امروز پیوسته سیگار می کشید

(ج) حسن یک دقیقه پیش سیگار می کشید

جهت بحث و تبیین جدول شماره ۱ طبقه بندی کلی تقابلهای نمودین کامری^{۲۴} در زیر

آورده می شود:

جدول شماره ۱

طبقه بندی کلی تقابلهای نمودین کامری

فعل		نام
تداومی		
پیوسته		عادتی
استمراری	غیراستمراری	

بر اساس طبقه بندی بالا (۹ الف) و (۹ ج) را می توان به ترتیب تداومی عاداتی^{۲۵} و تداومی استمراری^{۲۶} نامید. اما به نظر می رسد که (۹ ب) در قالب این جدول قابل توجیه نیست. زیرا بر عملی متداوم و در عین حال غیر عاداتی و غیر استمراری دلالت دارد. درحقیقت (۹ ب) را باید بیانگر عملی متداوم، تکراری و غیرعاداتی نامید. بر همین اساس می توان طبقه بندی کامری را به شکلی که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود تغییر داد تا تمام تقابلهای نمودی فارسی را در برگیرد.

جدول شماره ۲

طبقه بندی پیشنهادی در تقابلهای نمودین

فعل		
تداومی		مطلق
استمراری	تکراری	
	غیر عاداتی	عاداتی

برای درک ویژگیهای نمودی (۹ الف - ج)، می توان آنها را با معادلهای تام^{۲۷} گونه های یاد شده مقایسه نمود:

۱۰. الف) *حسن سابقاً سیگار کشید

ب) *حسن امروز پیوسته سیگار کشید

ج) حسن یک دقیقه پیش سیگار کشید

(۱۰ الف) در فارسی غیر قابل قبول است زیرا کلماتی از قبیل سابقاً که معمولاً همراه با گونه هائی که بیانگر مفاهیمی چون تکرار، عادت، تداوم و امثالهم هستند به کار می روند، و نمی توانند با جملاتی از قبیل (۱۰ الف) که وقایعی مطلق را بیان می کنند همراه شوند. استدلال مشابهی را می توان برای رد (۱۰ ب) به عنوان جمله ای غیر دستوری مطرح نمود. اگر قیدهای سابقاً و پیوسته را از (۱۰ الف) و (۱۰ ب) کنار بگذاریم، آن گاه می توان گفت که تفاوت اساسی این دو با (۹ الف) و (۹ ب) تفاوتی نمودی است. بدین معنا که ما در دو مورد اخیر با رخدادی تداومی سر و کار داریم اگر چه عمل فعل به صورت استمرار جریان ندارد. یعنی این که مجموعه ای از اعمال مشابه در زمانی معین به وقوع می پیوندد. به طور مثال فرد در طی یک روز ده بار اقدام به کشیدن سیگار می کند. در اینجا هر مرتبه سیگار کشیدن به عنوان حلقه ای از یک زنجیره اعمال تکراری محسوب می شود. آنچه در این مجموعه حائز اهمیت است لحظاتی است که این رویدادهای مشابه و تکراری را به هم پیوند می دهد و آنها را

به عنوان رخدادی متداوم به ذهن متبادر می سازد، و نه لحظاتی که فرد در حال کشیدن سیگار می باشد. بر خلاف (۹ الف - ب)، در (۱۰ الف - ب) ما با رویدادهائی تام سر و کار داریم. اگر چه وقایع تداومی و تام هر دو می توانند با تکرار همراه شوند، اما تفاوت بارز این دو در این است که معمولاً در وقایع تام دفعات تکرار معین است حال آن که در وقایع تداومی دفعات تکرار مد نظر نیست.

تفاوت (۹ الف) و (۱۰ الف) در این است که اولی به عملی مستمر در مقطعی معین دلالت دارد اما دومی نشانگر واقعه ای مطلق در زمانی معین است. در وقایع مطلق فرد به تک تک لحظات تشکیل دهنده عمل سر و کاری ندارد. از همین رو وقتی بخواهیم در موقعیتی فرضی از دفعات تکرار عمل، صرف نظر از ترتیب یا تقدم و تأخر آنها، آگاه شویم، هم سؤال و هم جواب هر دو با صیغه فعل تام بیان می شوند:

۱۱. الف) ماه گذشته چند مرتبه علی را دیدی؟

ب) ماه گذشته دو مرتبه علی را دیدم

۲. ۱. ۳. گذشته استمراری. این زمان که قبلاً از آن بحثی کوتاه به عمل آمد، دارای اجزاء ساختی زیر می باشد:

داشتن + می + ریشه گذشته فعل

۱۲. داشتم می دویدم

گذشته استمراری را معمولاً برای بیان بدون ابهام عملی که در جریان انجام است به کار می بریم. اما کاربرد این صیغه در این خلاصه نمی شود. گاهی افعال لحظه ای را هم که به طور طبیعی دارای تداوم نیستند می توان در این صیغه به کار برد، که این کاربرد غیرعادی و ناقص تعریف معمول گذشته استمراری به نظر می رسد. در واقع در این امر تناقضی در کار نیست بلکه ما فعل لحظه ای را به گونه ای متفاوت با کاربرد عادی آن به کار می گیریم. به طور نمونه در جمله زیر هدف گوینده این است که پرنده در آستانه مردن است:

۱۳. این کبوتر دارد می میرد

۳. ۱. ۳. گذشته نقلی تداومی. اجزای ساختی این زمان را می توان به شکل زیر نمایش داد:

می + اسم مفعول فعل واژگانی + فعل کمکی است

۱۴. حسن در جوانی تنها زندگی می کرده است

این صیغه فعل معمولاً برای بیان عملی به کار می رود که در گذشته شروع شده، ادامه داشته و پایان پذیرفته است، اما به نحوی به زمان گفتگو^{۲۸} ارتباط دارد. با توجه به شرایط و بافت، خود واقعه یا دست کم خاطره آن می تواند تا زمان گفتگو دارای اهمیت باشد. صرف نظر

از تفاوت‌های نحوی و معنایی، هر سه کاربردی را که برای گذشته تداومی ذکر کردیم، می‌توان با این ساخت هم مشاهده نمود:

۱۵. رضا در جوانی روزی پانزده ساعت کار می‌کرده است

۱۶. حسن پارسا ل به مدت یک ماه هر روز در کلاس حسابداری شرکت می‌کرده است

۱۷. (شنیدم) پیام پیاده به خانه می‌رفته است (که ناگهان سخته می‌کند)

مثال (۱۵) بیانگر عادت‌ی است که عامل عمل فاعل آن بوده است؛ (۱۶) به واقعه‌ای تکراری دلالت دارد، و (۱۷) نشانگر موقعیتی استمراری است که به وسیله رویدادی تام قطع می‌شود. ویژگی مشترک همه اینها نمود تداومی آنها می‌باشد. علاوه بر تمایز صوری این صیغه از گذشته تداومی، تفاوت‌های معنایی مهمی هم بین این دو ساخت وجود دارد که در قسمت ۴.۱.۳ به بحث در باره آنها خواهیم پرداخت.

به منظور آشکار کردن ویژگی تداوم در (۱۷-۱۵)، آنها را با معادلهای تامشان مقایسه می‌نمائیم:

۱۸. در جوانی روزی پانزده ساعت کار کرده است

۱۹. پارسا ل به مدت یک ماه هر روز در کلاس حسابداری شرکت کرده است

۲۰ * (شنیدم) پیام پیاده به خانه رفته است (که ناگهان سخته می‌کند)

از آنجا که (۱۵) و (۱۸) هر دو نقلی هستند، به نظر می‌رسد که حداقل یکی از ویژگیهای زیر را داشته باشند:

(الف) خاطره عمل در زمان گفتگو باقی است

(ب) متکلم خود شاهد عمل نبوده است، و از واقعه به طریقی دیگر آگاه شده است.

نشانه تداوم در (۱۵) به ویژگی‌ای اشاره دارد که آن را از (۱۸) متمایز می‌سازد. در (۱۵) ما با عملی مواجه هستیم که عادت‌ی برای عامل عمل بوده است، در صورتی که در (۱۸) اگر چه عمل تا زمانی نسبتاً طولانی در بستر زمان ادامه یافته است، گوینده تنها به کل واقعه به عنوان رویدادی مطلق اشاره دارد و لحظه لحظه عمل مد نظر نیست.

در (۱۶)، فاعل عملی را در طول زمانی معین به صورت تکراری انجام داده است. در اینجا جنبه تداوم کل رویداد که از یک مجموعه اعمال تکراری تشکیل شده است از اهمیت شایانی برخوردار است. اگر چه در (۱۹) نیز عمل به گونه‌ای مکرر صورت پذیرفته است، اما در آن تداوم عمل مطرح نیست، و همه آنچه رخ داده است به مثابه یک رویداد مطلق به ذهن متبادر می‌شود.

در (۱۷)، بند پایه^{۲۹} که بر عملی مستمر دلالت دارد به وسیلهٔ رویدادی تام قطع شده است. اما در (۲۰) از آنجا که گذشته نقلی در بند پایه بر عملی مستمر دلالت ندارد، به طور طبیعی نمی تواند با بند پیرو همخوانی داشته باشد و در نتیجه کل جمله غیر دستوری خواهد بود. با گونه های نقلی تداومی، معمولاً جریان عمل تا زمان گفتگو ادامه می یابد، در حالی که گونه های نقلی مطلق این گونه نیستند، مگر این که فعل جمله نشانگر حالتی باشد که از وقوع فعلی لحظه ای حاصل می شود. چون (۲۱) حاوی فعلی لحظه ای است که بر وضعیت حسن به هنگام بیان جمله دلالت دارد، به طبع جریان واقعه تا زمان گفتگو ادامه دارد. می توان از این جمله این گونه برداشت نمود که عمل در گذشته ای معین به وقوع پیوسته و حاصل آن تا هنگام گفتگو کشیده شده است:

(۲۱) حسن خوابیده است

بر خلاف جمله فوق، در زیر فعل خوابیدن کاربردی تداومی دارد. در این جمله، فاعل در هنگام گفتگو خواب نیست بلکه تنها خاطرهٔ عمل برای او باقی است. به نظر می رسد که تنها راه تمایز این دو کاربرد از یکدیگر بافت و شرایطی است که جمله در آنها به کار گرفته می شود:

۲۲. دیشب حسن فقط دو ساعت خوابیده است

۳.۱.۴. گذشتهٔ نقلی استمراری. اجزای ساختی این زمان را می توان به گونهٔ زیر نمایش داد:

اسم مفعول فعل کمکی داشتن + (است) + می + گذشتهٔ نقلی

۲۳. علی داشته (است) تلویزیون تماشا می کرده است (که ناگهان سقف اتاق فرو می ریزد)

گذشته نقلی استمراری معمولاً وقتی به کار می رود که رویدادی مطلق باعث از جریان افتادن عملی که ادامه دارد بشود. این کاربرد اعتقاد ما را به این نکته که گذشته نقلی استمراری و گذشته استمراری از نظر نمود یکسان هستند راسخ تر می سازد. این بدان مفهوم نیست که هیچ گونه تفاوت معنایی بین این دو وجود ندارد. در بخش زیر که ما ویژگیهای معنایی ساختهای گذشته را به اختصار بیان می کنیم، تفاوتهای معنایی بین این دو ساخت نیز روشن خواهد شد.

۳.۱.۵. ویژگیهای معنایی ساختهای گذشته. ساختهایی که در (۳.۱) مورد بحث قرار گرفت دارای ویژگی هائی به قرار زیر هستند:

(الف) فعلهائی که با می_ همراه می شوند معمولاً بیانگر تداوم عمل می باشند. تداوم ممکن است بیانگر تکرار باشد. تکرار به نوبهٔ خود یا بر عادت یا بر غیر عادت دلالت دارد.

(ب) اگر چه برای بیان وقایع مستمر به گونه ای که خالی از ابهام باشد می توان از فعل کمکی داشتن و فعل اصلی مورد نظر استفاده نمود، اما باید به خاطر داشت که این گونه رویداد ها اغلب تنها با استفاده از فعل اصلی بیان می شوند.

(ج) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته است اما خاطره آن به هنگام گفتگو به نحوی دارای اهمیت است، معمولاً از زمان نقلی استفاده می شود.

(د) هر گاه تداوم و خاطره عمل هر دو حائز اهمیت باشد، ساخت نقلی تداومی به کار می رود.

(ه) با توجه به بافت کلام، رویدادهائی با ویژگیهای مذکور در (د) را می توان با استفاده از قیدهائی از قبیل تا کنون به زمان گفتگو ارتباط داد.

(و) گونه های نقلی معمولاً در مواقعی به کار می روند که یا شنونده خود در صحنه حاضر نباشد و آگاهی او از موضوع غیر مستقیم باشد، یا خاطره عمل در هنگام گفتگو به گونه ای حائز اهمیت باشد. در اینجا متکلم تنها آنچه که در باره واقعه شنیده است نقل می کند.

۲.۳. کاربردهای کلی ساختهای غیر گذشته

با ساختهای غیر گذشته استفاده از می اجباری است و بنابراین در اینجا مسأله تقابل نمودی مطرح نخواهد شد. نقشهائی را که می در ترکیب با بن حال ایفا می کند بیش از نقشهائی است که به همراه بن ماضی ایفا می کند. بحث خود را در این زمینه با مقایسه مثالهای (۴ و ۵) یعنی (حسن سیگار کشید و حسن سیگار می کشید) با معادلهای غیر گذشته آنها شروع می کنیم:

۲۴. حسن سیگار می کشد

بسته به این که ساخت فوق در چه بافتی به کار رود، می توان حداقل چهار تعبیر مختلف از آن به دست داد:

(الف) حسن به سیگار کشیدن عادت دارد

(ب) حسن به طور مکرر سیگار می کشد

(ج) حسن مشغول سیگار کشیدن است

(د) حسن سیگار خواهد کشید

بن حال فعل کشیدن یعنی کش یک واژک آزاد نیست و بنابراین با کشید، ریشه گذشته فعل، قابل قیاس نخواهد بود. از این رو ما بن ماضی را که با می همراه است از نظر نحوی بی نشان به حساب می آوریم. هر یک از مثالهای زیر به یکی از تعبیرهای فوق اشاره دارد:

۲۵. رضا هر شب یک ساعت مطالعه می کند

۲۶. حسن امروز پیوسته سرفه می کند

۲۷. علی هم اکنون نماز می خواند

۲۸. احمد فردا به دیدن تو می آید

جمله (۲۵) بیانگر یک عادت است. (۲۶) بر عملی تکراری توسط فاعل دلالت دارد. (۲۷) نمایانگر رخدادی مستمر است، و (۲۸) بر اقدامی که فاعل در آینده انجام خواهد داد اشاره دارد. مثالهای فوق اهمیت قیود زمان و قیود تکرار را در جهت بیان صریح و بدون ابهام معنی و مفهوم صیغه های فعلی حاوی می _ بیش از پیش آشکار می سازند.

از میان مثالهای (۲۵-۲۸)، مثال (۲۸) نمود تام دارد، اما تفاوت آن با بقیه بیشتر از نظر زمان تقویمی است. گر چه این ساخت کاملاً قابل قبول است، اما باید توجه داشت که در کاربردهای رسمی برای بیان همین مفهوم بیشتر از فعل کمکی خواه و مصدر کوتاه فعل اصلی استفاده می شود:

۲۹. حسن فردا به دیدن تو خواهد آمد

به هر حال باید دقت داشت که اگر همین تغییر را بر (۲۶)، که نمود معنائی تداوم دارد، اعمال کنیم تنها زمان جمله، و نه نمود آن، عوض خواهد شد. در این صورت جمله بر رویدادی دلالت خواهد داشت که در آینده به طور متداوم تکرار خواهد شد.

۳۰. حسن امروز پیوسته سرفه خواهد کرد

می _ را می توانیم به همراه بن حال برای بیان حال مطلق به کار گیریم:

۳۱. من قول می دهم که کتاب را برای تو بخرم

بر اساس مثالهایی چون (۲۴) و (۳۱) می توان ادعا نمود که صیغه های مضارع حوزه نمودی وسیع تری را نسبت به ساخت گذشته تداومی در بر می گیرد. همان گونه که در مثالهای یاد شده مشاهده می کنیم، صیغه های مضارع برای بیان مفاهیمی از قبیل عادت، تکرار، استمرار، حال ساده و حتی آینده به کار می روند.

بر اساس آنچه در این بخش از نظر گذشت، مفاهیم مندرج در زیر (الف - ج) را می توان با استفاده از گونه مضارع یا فعل کمکی خواه و فعل اصلی مربوط بیان نمود:

(الف) حکم از قبل تعیین شده

۳۲. علی به دستور پدرش در خانه می ماند

(ب) برنامه و قرار

۳۳. ما فردا به باغ می رویم

(ج) پیش بینی

۳۴. احتمالاً امشب باران می بارد

علاوه بر موارد فوق، ساخت مضارع دو کاربرد مهم دیگر نیز دارد: یکی بیان حقایق کلی و دیگری گزارش یک رشته وقایع مطلق و متوالی که در گذشته روی داده است. مثالهای (۳۵) و (۳۶) به ترتیب مصادیق این دو کاربرد هستند:

۳۵. خورشید همیشه از مشرق طلوع می کند

۳۶. دیروز علی به مدرسه می رود، امتحان می دهد و به خانه باز می گردد

۳.۳. کاربردهای وابسته^{۳۰}

۱. ۳.۳. گونه‌ی تمنائی. گونه‌ی تمنائی معمولاً در قالب صیغه‌های زمان گذشته به کار می‌روند. از میان صورتهای تداومی، گذشته تداومی با جملات تمنائی خاصی از قبیل مثالهای زیر به کار می‌روند:

۳۷. کاشکی حسن فردا در مسابقه شرکت می کرد

۳۸. کاشکی حسن دیروز در مسابقه شرکت می کرد

آنچه می‌توان از (۳۷) برداشت کرد این است که حسن به هر دلیل قرار نیست در مسابقه شرکت کند. این از بعید بودن وقوع فعل در زمان آینده حکایت دارد، هرچند زمان دستوری فعل، گذشته می‌باشد. اگر قید فردا را از (۳۷) حذف کنیم و قیدی را چون دیروز، که با وقایع گذشته به کار می‌رود، جایگزین نماییم در آن صورت زمان تقویمی عمل به گذشته تبدیل خواهد شد و جمله بیانگر رویدادی غیر ممکن در زمان گذشته خواهد بود. مثال (۳۸) مصداقی از این نوع جمله تمنائی است. در اینجا حسن به طور حتم در مسابقه شرکت نکرده است.

بر اساس بحث فوق، می‌توان گفت که در ساختهای تمنائی، صیغه‌های زمان گذشته بر وقایعی دلالت دارند که وقوع آنها یا غیر ممکن است یا دور از ذهن. در ساختهای تمنائی با زمان گذشته تقویمی، فعل گذشته تداومی را می‌توان با گذشته بعید عوض کرد بدون این که تفاوت معنایی مهمی حاصل شود:

۳۹. کاشکی حسن دیروز در مسابقه شرکت کرده بود

وقایع غیر ممکن که زمان تقویمی آنها حال می‌باشد معمولاً با گونه‌های گذشته تداومی بیان می‌شوند:^{۳۱}

۴۰. کاشکی حالا جواب سؤال را می‌دانستم

۲.۳.۳. کاربردهای شرطی. می_ در ساختهای شرطی نقشی به سزا دارد، آن چنان که بحث آن از حوصله این نوشته خارج است و خود گفتار جداگانه‌ای را می‌طلبد. لذا توصیف نقش می_ با ساختهای شرطی به فرصتی مناسب موكول می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در این نوشته نقش نمودین می_ در زبان فارسی امروز مورد بحث و مذاقه قرار گرفت. و در خلال آن نشان داده شد که می_ گاهی اوقات برای نشان دادن نمود معنایی تداوم، و زمانی برای بیان وابستگی فعل استفاده می‌شود. به هر حال نقش نمودین این پیشوند فعلی اساسی‌تر از نقش وابستگی است. ضمن تقسیم افعال حاوی می_ به ساختهای گذشته و غیر گذشته، ویژگیهای صوری و معنایی هر کدام نیز از طریق تجزیه و تحلیل تقابلی آنها تشریح شد. همچنین استدلال شد که طبقه بندی کلی کامری^{۳۲} تقابلهای نمودی تنها با اصلاحاتی پیشنهادی قابل اعمال به فارسی خواهد بود.

در فارسی به جز فعلهای داشتن و بودن همه صورتهای گذشته استمراری با استفاده از می_ به اضافه بن ماضی فعل ساخته می‌شوند. این ساخت اساساً برای بیان مفاهیمی از قبیل عادت، رخدادهای استمراری و اعمال تکراری به کار می‌رود. در هر صورت بافت و قیود موجود در جملات نقشی بسزا در بیان روشن و خالی از ابهام هر کدام از مفاهیم فوق دارند. زمانهای گذشته تداومی، گذشته استمراری، گذشته نقلی تداومی، گذشته نقلی استمراری همگی در استفاده از می_ مشترکند. اما کاربردهای آنها نسبت به هم تفاوت‌های زیادی دارد که طی این بررسی جزئیات آنها مورد بحث قرار گرفت. در انتهای بحث راجع به ساختهای گذشته، به صورتی مختصر ویژگیهای معنایی این ساختها بیان شد.

در ساختهایی که زمان دستوری آنها حال می باشد، استفاده از می_ اساساً اجباری است و بنابراین مسأله تقابل نمودی مطرح نمی‌شود. از همین رو می_ با این ساختها نقشهای بیشتری نسبت به ساختهایی که زمان دستوری آنها گذشته است دارد. مفاهیمی از قبیل عادت، استمرار، انجام عمل در زمان تقویمی آینده با استفاده از این ساخت بیان می‌شوند.

کاربردهای وابستگی صیغه‌های فعلی که با می_ همراه است به دو دسته تقسیم می‌شوند: گونه تمنائی، گونه‌های شرطی. کاربردهای شرطی خود بحث مفصل و جداگانه‌ای می‌طلبد. گونه‌های تمنائی اصولاً در قالب صیغه‌های زمان گذشته به کار می‌روند. در این ساختها صیغه‌های زمان گذشته تداومی بر وقایعی دلالت دارند که وقوع آنها یا غیر ممکن یا بسیار بعید

است. در زبان فارسی ساختهای تمنائی با زمان تقویمی گذشته را می توان بدون این که تفاوتی در معنا ایجاد نماید با گذشته بعید جایجا نمود.

منابع و یادداشتها

- 1- Tense
- 2- Aspectuality
- 3-Aspect
 - ۴- ناتل خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی ج ۲. تهران: نشر نو، ۱۳۶۵، ص ۲۲۲.
 - ۵- منبع شماره ۴، ص ۲۲۸.
 - ۶- منبع شماره ۴، ص ۲۲۲.
 - ۷- شریعت، محمد جواد. دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۴، ص ۱۳۴.
 - ۸- باطنی، محمدرضا. توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸، صص ۶-۱۱۴.
- 9- Imperfective Aspectuality
- 10- Modality
- 11- Aspectual
- 12- Imperfective Aspect
- 13- Past Imperfective
- 14- Progressive Situations
- 15- Past Progressive
- 16- Present Perfect Imperfective
- 17- Present Perfect Progressive
- 18- Perfective
- 19- Comrie, B. *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press. 1976.
- 20- Perfective Aspect
- 21- Unmarked
 - ۲۲- منبع شماره ۱۹، ص ۸۸.
- 23- Morphological Marker
 - ۲۴- منبع شماره ۱۹، ص ۲۵.
- 25- Imperfective Habitual
- 26- Imperfective Progressive
- 27- Perfective Counterparts

28- Speech Time

29- Main Clause

30- Modal Uses

۳۱- افعال بودن و داشتن از آن جهت که تفاوتی صوری بین گونه های استمراری و مطلقشان وجود ندارد استثناء می باشند.

۳۲- منبع شماره ۱۹.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی